خلط بین موضوع و طریق به موضوع در بحث «زوال» در کلام صاحب جواهر

الآن مطالبی که به ذهن من طلبه قاصر می‌آید را برای آیندهٔ بحث عرض می‌کنم. در مسائلی که فقها اختلاف مستقر ندارند و ذهن‌ها روشن‌تر است، استفاده می‌کنیم. چون همه ای غالب فقها متوافق هستند و اختلاف مستقر ندارید. اختلافی هم اگر هست در کتب است. از اینجا استفاده کنیم برای جایی که اختلاف مستقر است. در رؤیت هلال می‌بینید اختلاف در تلسکوپ و اشتراک در افق هست، اختلافی است که حسابی قابل زمینه‌سازی علمی است برای جه‌تگیری‌های مختلف. این چیزی که من الآن عرض می‌کنم، به این صورت است که می‌خواهم از یک اختلاف غیرمستقر کمک بگیرم برای اختلاف درمانحن فیه.

34:20

حاصل این جزوه این بود: اگر در مسأله رؤیت هلال، موضوع حکم شارع را از طریق به موضوع جدا نکنیم تا آخر سر نمی‌رسد و همینطور امر مشوّش است. مغبّر است. یعنی طریق الموضوع با خود موضوع مخلوط می‌شود. باید جدا کنیم. ادعای این جزوه این شد: آن چه که موضوع حکم است، الهلال است. هیچ چیزی روی آن نگذاریم. نه هلالی که چشم عادی می‌بیند و نه هلالی که اعم از این است. ما اعم نداریم، بلکه موضوع هلال است. این مقصود این جزوه بود.

عرض کردم چرا فقها در زوال اختلاف ندارند؟ گفتم چون سر و کار ما در زوال با یک پدیدهٔ زمانی است. عبور مرکز شمس از نصف النهار در یک لحظه است. اذهان زودتر آن را درک می‌کنند و اختلاف مستقر در آن پیدا نشده است. اما هلال، یک شیء است. باید بیایی. تکون پیدا بکند. لذا امر آن سخت‌تر می‌شود. در اینکه طریق به آن این مشکلات را پیش می‌آورد.

من عبارت صاحب جواهر و ردّی که علماء دارند را سریع عرض می‌کنم. بعد به مانحن فیه می‌آییم. شما الآن می‌گویید اگر هلال موضوعیت دارد باید آن را با چشم عادی ببینیم، با چشم غیرعادی ببینیم، در این بلد ببینیم نه اینکه در آن بلد ببینیم. علی ای حال می‌خواهید هلال را که موضوع است منوط به چیزی بکنید ای نکنید؟ منوط به طریق آن بکنید ای نکنید؟ منوط به بستری که الآن می‌خواهید برای آن حکم صادر کنید می‌کنید ای نه؟ الآن می‌خواهیم از زوال برای مانحن فیه کمک بگیریم.

عبارت جواهر را ببینید. من می‌خواهم لحن ایشان به ذهنتان بیاید.

> **وقال الكاشاني في الوافي : ربما لا يستقيم هذا الطريق في بعض الأحيان ، بل يحتاج إلى تعديل حتى يستقيم ، إلا أن الأمر فيه سهل ، والطريق الأسهل في استخراج هذا الخط الذي لا يحتاج إلى كثير آلة ان يخط على رأس ظل الشاقول أي المقياس المزبور خطا عند طلوعها ، وعند غروبها آخر ، فان اتصل خطا واحدا نصف ذلك الخط بخط آخر على القوائم ، وإن تقاطعا نصف الزاوية التي حصلت من تقاطعهما بخط فالخط المنصف في الصورتين هو خط نصف النهار ، قلت : ويمكن استخراجه بغير ذلك ، انما الكلام في اعتبار مثل هذا الميل في دخول الوقت بعد أن علقه الشارع على الزوال الذي يراد منه ظهوره لغالب الأفراد حتى انه أخذ فيه استبانته كما سمعته في الخبر السابق ، وأناطه بتلك الزيادة التي لا تخفى على أحد على ما هي عادته في إناطة أكثر الأحكام المترتبة على بعض الأمور الخفية بالأمور الجلية كي لا يوقع عباده في شبهة كما سمعته في خبر الفجر ، بل أمر بالتربص وصلاة ركعتين ونحوهما انتظارا لتحققه ، فلعل الأحوط مراعاة تلك العلامة المنصوصة في معرفة الزوال وإن تأخر تحققها عن ميل الشمس عن خط نصف النهار بزمان ، خصوصا والاستصحاب وشغل الذمة وغيرهما موافقة لها والله أعلم[1]**

«وقال الكاشاني في الوافي»؛ مرحوم فیض همان داریه هندیه را برای زوال گفتند. «اقم الصلاه لدلوک الشمس». ببینید بشر دو میقات دارد که دم به دم با آن سر و کار دارد؛ ساعت و تقویم. شما الآن هر موبایلی را باز میکنید اول از شما سؤال میکند و میگوید ابتدا ساعتت را تنظیم کن و تقویم را هم تنظیم کن. Date , time)). این دو میقات بسیار مهم است. تقویم برای چه زمانی است؟ برای حرکت شمس و قمر است. ساعت برای چه زمانی است؟ برای حرکت شبانه‌روز است. در آن سه حرکتی که قبلاً عرض کردم، ساعت برای حرکت وضعی زمین است که میقات است. «دلوک الشمس» خودش یک میقات است. چقدر زیبا است که آیه شریفه از چیزی شروع کرده که متغیر نباشد. اگر از طلوع و غروب بود تغییر میکرد. «اقم لدلوک»، از نصف نهار.

در اینجا «لدلوک الشمس» یک میقات است و ساعت است، مثل تقویم است که تقویم قمری و شمسی هم یک جور میقات است. الآن در این میقاتی که در ساعت داریم صاحب جواهر چه میفرمایند؟ صاحب جواهر فرمودند بله، فیض فرمودهاند که داریه هندیه میل کند، اما بعد میگویند:

«قلت : ويمكن استخراجه بغير ذلك»؛ این هایی که فیض گفتهاند خوب است، بلکه بهغیرازاینها هم میشود. بلکه اقوّاز این میشود.

«انما الكلام في اعتبار مثل هذا الميل في دخول الوقت»؛ به صرف اینکه سایه روی خط شمال و جنوب آمد و مقداری میل کرد بگوییم که زوال شد؟! نه، چرا؟

«بعد أن»؛ در اینجا است که موضوع شرع با طریقش مخلوط میشود. چرا؟ بهخاطر تعبد و استظهار از ظاهر دلیل است. درکلاس فقه موضوع و طریق به آن باید جدا شوند. و الاّ این احتیاطات پیش میآید.

«بعد ان علقه الشارع على الزوال الذي يراد منه ظهوره لغالب الأفراد»؛ «دلوک» میقات ناس است. میقات باید در دسترس همه باشد و همه بفهمند و بگویند «دلوک» است. همین استدلالی است که الآن دارند. خب وقتی مردم دو میقات ساعت و تقویم دارند، ساعتی که میقات

مردم است می‌تواند در دسترس آن‌ها نباشد؟! می‌شود که یک چیز مبهم باشد؟! خب «دلوک» می‌گوید که در دسترس همه است، برای غالب افراد چطور معلوم می‌شود؟

39:59

«حتى انه أخذ فيه استبانته»؛ شارع فرموده «اذا استبنت»، یعنی قشنگ دیدی که سایه دارد زیاد می‌شود. **«كما سمعته في الخبر السابق، وأنا طه بتلك الزيادة»**؛ شارع، زوال را به این زیادی منوط کرده است. گفته زوال این است که زیاد شود. **«التي لا تخفى على أحد»**؛ وقتی به این صورت است باید برای همه ظاهر باشد. خب چه زمانی است برای همه ظاهر است؟ وقتی سایه شروع به بلند شدن کند. من که این عبارات را می‌خوانم به این خاطر است که دقیقا ببینید عبارات «اسئلة حول رؤية الهلال» همین‌ها است. یعنی عین‌ًیکی است. ایشان عین همین استدلال را –اینکه می‌قاتیت و وضوح و در دسترس همه باشد- می‌آورند که صاحب جواهر همین استدلال را برای زوال آورده‌اند.

«على ما هي عادته في إناطة أكثر الأحكام»؛ اکثر احکام را برای چیزی آورده که در دسترس همه است. همه می‌فهمند و می‌بینند. اینطور نیست که با وسائل دقیقه باشد. **«المترتبة على بعض الأمور الخفية بالأمور الجلية»**؛ امر خفی را می‌زان قرار نداده است. «كي لا يوقع عباده في شبهة»؛ در شبهه واقع نشوند. **«كما سمعته في خبر الفجر، بل أمر بالتربص وصلاة ركعتين ونحوهما انتظارا لتحققه»**.

«فلعل الأحوط مراعاة تلك العلامة المنصوصة في معرفة الزوال وإن تأخر تحققها عن ميل الشمس عن خط نصف النهار بزمان»؛ که شهید گفتند قریب یک ساعت است. یعنی احتیاط این است که صبر کنید تا ببینید سایه دارد زیاد می‌شود. وقتی داریه هندیه میل کرد چه فایده‌ای دارد؟! بلکه شارع به عرف عام احاله کرده است. به آنی که نزد همه سهل التناول است. این کلام صاحب جواهر بود.

مرحوم حاج شیخ محمد رضا اصفهانی در نعجه دارند؛ ایشان می‌فرمایند من در غیر کلام صاحب جواهر چنین احتیاطی را ندیده‌ام. این ولین مورد است. حاج آقارضا که فتوایشان در تبیّن فجر معروف است...؛ «حتی یتبین لکم» را ایشان می‌گویند در ایام البیض نمی‌شود. حاج آقارضا اولین کسی بودند که این را فرمودند. حاج آقا رضا می‌گویند قیاس مع الفارق است؛ ما آن جا می‌گوییم ولی خود ایشان در اینجا حرف صاحب جواهر را رد می‌کنند. اینجا است که من می‌گویم اختلاف غیرمستقر است. ما باید از این استفاده کنیم.

مستمسک را ببینید: قشنگ به صاحب جواهر جواب می‌دهند. به منزل رفتید نگاه کنید. می‌فرمایند:

> **هذا وفي الجواهر : «إنما الكلام في اعتبار مثل هذا الميل في دخول الوقت بعد أن علقه الشارع على الزوال الذي يراد منه ظهوره لغالب الأفراد حتى أنه أخذ فيه استبانته ـ كما سمعته في الخبر السابق ـ وإناطته بتلك الزيادة التي لا تخفى على أحد على ما هي عادته في إناطة أكثر الأحكام المترتبة على بعض الأمور الخفية بالأمور الجلية كي لا يوقع عباده في شبهة .. ».**

> وفيه: أن مفهوم الزوال كسائر المفاهيم المأخوذة موضوعاً للأحكام الشرعية يترتب عليه حكمه واقعاً بمجرد وجوده كذلك ، ولا يعتبر فيه ظهوره لأحد ، فضلاً عن ظهوره لغالب الأفراد ، والاستبانة لم تؤخذ في موضوعيته للحكم ، وإنما أخذت طريقاً ليه جمعاً بين الخبر المتقدم وما دل على كون الوقت هو الزوال الواقعي ، وإناطته بالزيادة لا تنافي ذلك بل تثبته لأن الزيادة الواقعية ملازمة للزوال واقعاً وإن كان المحسوس منها يكون بعد الزوال بقليل. فلاحظ[2]

ببینید صاحب جواهر که این را گفته‌اند، فوری سؤالات ما مطرح می‌شود. آخرین اشکالی که عرض کردم؛ گفتم سرنوشت بحث را عوض می‌کند؛ منظورم این بود: سرنوشت بحث را می‌برد و ما مجبور هستیم موضوع حکم شرعی را از طریق به آن ،جدا کنیم. در زوال اختلافی غیرمستقر شده است. الآن سید در متن عروه چه فرموده‌اند؟ فرمودند سراغ دارید هندیه بروید. «هی اضبط و امتن». صاحب جواهر می‌گویند احتیاط این است که نروید. ایشان می‌گویند سراغ آن بروید چرا که اضبط و امتن است. لذا صاحب عروه مخالفت کرده‌اند، حاج آقا رضا مخالفت کرده‌اند، در مستمسک مخالفت کرده‌اند.

در مستمسک ذیل «امتن»ی که صاحب عروه فرموده‌اند، عبارت صاحب جواهر را می‌آورند و جواب می‌دهند. پس اختلاف در زوال بین فقها مستقر نشده است. چرا؟ چون موضوع زوال، روشن است و لحظه‌ای است. اما در هلال چون شیء است، هنوز اختلاف باقی است. وقتی ما روش فقهی را با این مورد تصحیح کنیم اینجا هم درست می‌شود.

چرا علماء با احتیاط صاحب جواهر همراهی نکرده‌اند؟ چون می‌گویند شما بین موضوع ثبوتی و طریق احراز آن خلط می‌کنید. وقتی موضوع زوال است، زوال را می‌توان از هر راهی فهمید، اما زید الظل طریق به آن است. طریق ساعه، طریق عرفی، طریق که غیر از موضوع است. این بسیار مهم است. لذا با این دقت اختلاف غیرمستقر شده است.

در مانحن فیه صاحب جواهر می‌گویند باید عادی باشد. آقای صاحب جواهر ما همراه شما احتیاط می‌کنیم. سر تسلیم محضر این فقیه بزرگ فرو می‌آوریم و می‌گوییم باید زید الظل باشد. خب سؤال می‌کنیم: در این مقیاسی که شما گذاشتید دارد زیاد می‌شود اما وقتی ذره‌بین می‌گذاریم، می‌بینیم که زیاد شد. همین جوری که نگاه می‌کنیم زیادی آن را نمی‌بینیم. شما به‌عنوان فقیه می‌گویید اگر ذره‌بین بگذاریم و ببینیم که زیاد می‌شود، قبول دارید که زیاد می‌شود؟ یا می‌گویید ذره‌بین نگذار، چون باید با چشم عادی زیاد شود؟ ارتکاز خود صاحب جواهر چیست؟

شاگرد: علی القاعده باید عادی باشد.

استاد: ذره‌بینی که دست بچه‌ها است، می‌بینند که سایه زیادتر شده.

شاگرد۲: با مقیاس کوچک و بزرگ راحت‌تر فهم می‌شود.

استاد: قبلاً این را عرض کرده بودم. درست است. منارهای که سیصد متر باشد خیلی زودتر نشان می‌دهد تا مقیاس کوچک.

شاگرد: اگر این مقیاس را بگیریم در خیلی از جاها احکام فرق می‌کند. در طهارات و نجاسات و ... فرق می‌کند. مثلاً اینجا یک مولکول بول است و آن را با ذره‌بین می‌بینیم.

استاد: ما پارسال مفصل بحث کردیم. یکی از آن‌ها همین بود. ما از این مثال‌ها بحث کردیم. حاج آقای سیستانی که پذیرفتند. گفتند ولو زیر میکروسکوپ خون ببینیم، خون، خون است. من جور دیگری عرض کردم. هیئت اجتماعی‌های که در مسمی داخل است را طور دیگری حل کردیم.

47:03

علی ای حال من میخواهم ارتکاز صاحب جواهر را بگویم. اینکه شما میگویید وقتی این سایه زیاد شود، میبینیم مقیاس ما چند متر باشد؟ اگر مانع صد متری است سایه را زود میبینید. اگر مقیاس بیست سانتی است دیرتر میبینید. خب کدام میزان شرعی است؟ باید روشن کنیم. اگر این است، چشم مردم نمی‌بینند. اگر آن است می‌بینند. کدام را میتوانیم قرار بدهیم؟ بعد میگویید ذره‌بین نه، خب اگر ما برای این مقیاس کوچک ذره‌بین بگذاریم می‌بینیم. اما اگر مقیاس را بلند کنیم، همه با چشم عادی می‌بینند. پس کدام باشد؟ چه فرقی کرد؟

---

[1] جواهر الکلام، ج۷، ص۱۰۳

[2] مستمسك العروة الوثقی، ج۵، ص۷۰

بازبینی #1
ایجاد شده 10 مه 2026 12:31:50 توسط ... .
به روزرسانی شده 10 مه 2026 12:37:05 توسط ... .